

فصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع.ا.ه.)

دوره دوم * شماره هشتم * تابستان ۱۴۰۳



مستندات فرارشته‌ای بودن مطالعات تفسیری

سید عبدالله اصفهانی^۱

چکیده

پژوهش‌های میان رشته‌ای در جهان نوین و به‌ویژه در دهه‌های اخیر و در پی ظهور مسائل پیچیده و چند تباری اجتماعی - زیستی در جوامع شهروندی، مورد توجه دانش‌پژوهان دانشگاهی و مدیران ساختارهای اجتماعی قرار گرفته است. نوپدید بودن و گسترش پژوهش‌های میان رشته‌ای و میزان و عمق امتزاج و تلفیق این علوم، موجب مطرح شدن گونه‌ها و رویکردهای متفاوتی از آن شده که کلان طیف‌های آن عبارتند از: چند رشته‌ای، بینا رشته‌ای و فرا رشته‌ای. میان رشته‌ای بین منابع اسلامی و به‌ویژه تفسیر قرآن با سایر علوم بشری، از این قاعده مستثنی نیست. پرسش اصلی مقاله حاضر که با روش مساله محور، توصیفی، تحلیلی و نظری کنکاش می‌شود، آن است که مستندات فرارشته‌ای بودن مطالعات تفسیری قرآن چیست؟ دستاورد این پژوهش، دستیابی به مستندات چهارگانه در احتساب مطالعات تفسیری قرآن به‌عنوان تحقیقی فرارشته‌ای به شرح ذیل است:

اول، وجود شاخصه‌های چهارگانه پژوهش‌های فرارشته‌ای در مطالعات قرآنی؛ دوم، نقش مولفه‌های چهارگانه متن پژوهی (= نویسنده، متن، خواننده و واقعیت پنهان و تاریخی متن) در مطالعات تفسیری است که مقتضی فرارشته‌ای می‌باشد؛ سوم، کاربست رویکردهای پنج‌گانه معناشناختی تحلیل واژه‌ها، تاریخی واژگان، گفتمان حاکم بر متن و معناشناسی شناختی زبان و ذهن که مقتضی عبور از مرزهای تخصصی علوم می‌باشد؛ چهارم، ارتباط بنیادین مفاهیم قرآنی با کلان رشته‌های سه گانه (= علوم انسانی غیر تجربی و تجربی و علوم تجربی طبیعی) و گستره وسیعی از ذیل رشته‌های علمی.

واژگان کلیدی

بینا رشته‌ای، پژوهش، تفسیر قرآن، چند رشته‌ای، فرارشته‌ای، مستندات.

Email: esfahaniquran@Gmail.com	۱. دانشیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل.
Orcid: 0000-0003-2719-0855	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۵	تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵
استناددهی: اصفهانی، سید عبدالله (۱۴۰۳). «مستندات فرارشته‌ای بودن مطالعات تفسیری»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۸، صفحات ۵۳-۷۴.	

۱. مقدمه

«علم» سه نوع کارکرد دارد، شناختی (کشف حقایق)، اجتماعی (تاثیر بر جامعه) و تکنولوژیک (کارکردهای عملی). به نظر می‌رسد هرچه دانش‌ها بیشتر به سوی جزئیات پیش می‌رود، از نیازهای عینی و روزمره دورتر می‌شود و کارکرد اجتماعی‌اش کاهش می‌یابد. این در حالی است که هرچه جریان علم از حالت کل‌گرا به حالت مجزا و جزئی‌نگر حرکت کند، در صورتی که در یک منظومه کلان توصیف شود، می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای واقعی جامعه باشد.

از قرن بیستم و در جهان نوین و به ویژه در دهه‌های اخیر و در پی ظهور مسائل پیچیده و ناشناخته اجتماعی - زیستی در جوامع شهروندی و پیرو ناکارآمدی، مفید نبودن و محدودیت دید «پژوهش‌های حصرگرایی روش شناختی» در حل و فصل بسیاری از مسائل عینی و واقعی جامعه، رویکردها، فعالیت‌ها و گفت‌وگوها میان رشته‌ای در سیاست‌گذاری علمی، آموزشی و پژوهشی و ساختارهای اجتماعی مورد توجه و استقبال دانش‌پژوهان قرار گرفته است. در ابعاد و حوزه‌های مختلف، امروزه پژوهش فرارشته‌ای رویکرد جمعی زندگی همه انسان‌ها است. به‌عنوان نمونه شعر و تجارب معنوی را نمی‌توان در چهارچوب محدود یک رشته خاص طبقه‌بندی و تحلیل نمود، بلکه در اوج فرارشته‌گی تجسم می‌یابد. از سویی پژوهش‌های میان رشته‌ای زمانی معنا دارد که شناخت و فهم علمی و دقیق یک موضوع، مسئله و پدیدار، پیچیده، چند تباری و ذواضلاع یا ناشناخته باشد، به طوری که از توان ظرفیت معرفت‌های برخاسته از یک رشته و تخصص خاص خارج باشد. تحلیل فوق بیانگر ضرورت میان رشته‌گی بین علوم در جهان نوین و از جمله اهمیت و ضرورت «میان رشته‌گی بین قرآن و علوم»، به ویژه به دلیل ادعای جامعیت، جاودانگی و کارآمدی قرآن و توانایی پاسخ‌گویی به نیازهای سیال، متنوع بشریت در حوزه الهیات و امور معنوی است.

مطالعات میان رشته‌ای پژوهشی مسئله (اجتماعی) محور، عمل‌گرا و با عنایت به مسائل پیچیده و ناهمگون جهان واقعی و برخلاف پژوهش‌های تک رشته‌ای که یکنواخت و برخوردار از روابط خطی است، مطالعاتی غیرخطی، شبکه‌ای، پیوندی و چرخه‌ای محسوب می‌شود. در پژوهش‌های میان رشته‌ای اطلاعات، داده‌ها، نظریه‌ها و روش‌ها از منظر چندین رشته علمی در

فرآیند پژوهشی گردهم می‌آیند، تا شناخت معرفتی ویژه و جدیدی خلق شود، به طوری که قابل تقلیل به اجزا هر یک از رشته‌های مشارکت‌کننده در میان رشتگی مرتبط نباشد (لیوی، ۲۰۱۷). نظر به نوپدید بودن مطالعات میان رشته‌ای و رشد و گسترش این مطالعات و مطرح شدن مسائل پیچیده و چند ضلعی، رویکردها و گونه‌های متفاوتی از آن مطرح شده، به طوری که هر گروهی، مطالعات خویش را میان رشته‌ای دانسته‌اند. از این رو، به دلیل تفاوت درجات تعامل، ترکیب، تلفیق رشته‌ها و گوناگونی روش‌ها، پس از تنظیم و طبقه‌بندی می‌توان آن‌ها را شامل بر سه طیف: چند رشته‌ای بین رشته‌ای و فرار رشته‌ای دانست. پرسش اساسی مقاله حاضر آن است که مستندات فرار رشته‌ای بودن مطالعات تفسیری قرآن در قالب متن پژوهی و فهم و تفسیر قرآن چیست، تا نتیجه پژوهش، میزان و عمق و علمیت پژوهش‌های نوین میان رشتگی قرآن و علوم اثبات نماید.

۲. پیشنهاد تحقیق

پژوهش‌هایی که به نحوی مرتبط با این حوزه‌اند عبارتند از:

الف) مقالات

- ۱) مقاله «چندرشته‌ای، بینارشته‌ای و پسارشته‌ای، تغییر الگوهای رشته‌ای در زبان شناسی» از نعمت‌الله فاضلی و فاطمه کوشکی؛ فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۱، سال ۱۳۹۵، صفحه ۱-۲۴.
- ۲) مقاله «مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی» از سید محمد نقیب و همکاران؛ دوفصلنامه تفسیر پژوهی، دوره ۳، شماره ۵، سال ۱۳۹۵، صفحه ۲۰۹-۱۷۷؛
- ۳) مقاله «مقدمه‌ای بر میان رشتگی» از محمدرضا یزدانی؛ فصلنامه سیاستگذاری عمومی، سال ۱۳۹۰؛
- ۴) مقاله «ساز و کار پژوهش‌ها میان رشته‌ای قرآن» از احمد آکوچیان و رضوانه دستجانی؛ پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، شماره ۱۸، سال ۱۳۹۷.
- ۵) مقاله «تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته‌ای» از علی خورشیدی؛

- مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره دوم، شماره ۵، سال ۱۳۸۸.
- ۶) مقاله «بررسی ضرورت‌های مطالعات میان رشته‌ای در حوزه علوم انسانی» از مرتضی ابراهیمی؛ مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۲۲، سال ۱۳۹۳.
- ۷) مقاله «میان‌رشتگی در آموزش عالی» از حمیدرضا آراسته؛ مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۲، ۱۳۸۸ شماره ۲؛
- ۸) مقاله «گونه‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای در قرآن کریم» از منصور پهلوان، قاسم درزی و احد قراملکی؛ فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۴، سال ۱۳۹۲، صفحه ۷۳-۱۰۲.
- ۹) مقاله «نگرش میان رشته‌ای به حکمرانی خوب، زمینه‌ساز حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه» از پیام صدریه و قاسم درزی، فصلنامه علمی پژوهشی بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه، دوره ۱۴، شماره ۴۶، سال ۱۳۹۴، صفحه ۱۰۳-۱۲۶.
- ب) کتاب‌ها
- ۱) کتاب «روش‌شناسی مطالعات دینی» از احد قراملکی؛ انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۵.
- ۲) کتاب «روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآن» از قاسم درزی و احد قراملکی؛ انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام، ۱۳۹۹.
- ۳) کتاب «منطق تفسیر قرآن ۱ و ۵»، محمدعلی رضایی اصفهانی؛ مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۹۸.
- ۴) کتاب «گفتمان میان رشته‌ای دانش»، از علی خرسندی؛ انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۶.
- پژوهش‌های فوق‌یا به صورت مستقیم مربوط به میان‌رشتگی قرآن و علوم در شکل مطالعات تفسیر قرآن نمی‌شود و یا مربوط به تمایز میان رشته‌ای قرآن با تفسیر تطبیقی است و یا به تفصیل به دلایل و مستندات فرا رشته‌ای بودن مطالعات تفسیری نمی‌پردازد، به طوری که کنکاش از دلایل تفصیلی آن نیازمند تحقیقات نظری عمیق‌تری است. از این رو پژوهش حاضر از نوآوری

برخوردار است.

۳. مفهوم‌شناسی مطالعات چند رشته‌ای، بینا رشته‌ای و فرا رشته‌ای

«رشته» در اصطلاح به شاخه‌ای از دانش آموزشی یا مهارت خاص گفته می‌شود (بعلبکی، ۱۹۹۲) و معادل رشته تخصصی و آموزشی است (جعفری، ۱۳۸۰). هر رشته تحصیلی دارای ماهیت و حد و مرز خاص و متمرکز بر بعد و عمق خاصی از معارف است (درزی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳-۳۴)

پژوهش میان رشته‌ای، پژوهشی است که در آن، رشته‌ها و تخصص‌های مختلف، با میزان کمی و کیفی مختلف برای دستیابی به فهم یک مسئله یا موضوع یا پدیدار پیچیده، چند ضلعی ذوبطون و چند تباری، همکاری و تعامل می‌کنند (درزی و قرامکی، ۱۳۹۹: ۳۱ و ۳۲ و ۱۶۳ و ۱۶۵). پژوهشگر میان رشته‌ای به دنبال آن است که با همکاری، تعامل و تلفیق رشته‌ها و تخصص‌های مختلف، به تولید جدیدی دست یابد. تعامل و ترکیب بین دانش‌های مرتبط می‌تواند، محدود و جزئی یا گسترده و کلی باشد. به‌عنوان نمونه فهم حیات طیبه در آیه ۹۷ سوره نحل پژوهشی پیچیده، چند تباری و میان رشته‌ای است که در آن علوم مختلفی همچون فلسفه، کلام، تفسیر قرآن، ادبیات و روش تحلیل گفتمان به تعامل پویا و در تمام مراحل پژوهش باهم می‌پردازند. اجزای اصلی پژوهش میان رشته‌ای عبارتند از:

الف) فرآیندی بودن پژوهش میان رشته‌ای؛

ب) پیچیدگی و چند ضلعی بودن مسئله یا پدیده؛

ج) تعامل رشته‌ها؛

د) تلفیق بینش‌های رشته‌های مختلف؛

ه) ایجاد فهم جامع و ادراک فراگیر (قراملکی، ۱۳۹۰: ۳۹۳؛ خرسندی، ۱۳۸۸: ۶۴-۶۱)؛
تبیین گونه‌ها و اقسام پژوهش‌های میان رشته‌ای در مطالعات قرآنی نیازمند مفهوم‌شناسی گونه‌های آن به شرح ذیل است:

پیچیدگی و چند تباری بودن دو ویژگی کلیدی مسایل و پدیدارهای میان رشته‌ای هست. پیچیدگی مساله یا پدیده به نوبه خود دو گونه است. «پیچیدگی درون موضوعی» و آن یعنی خود

موضوع یا مساله دارای ابعاد گوناگون است و «پیچیدگی برون موضوعی» و آن یعنی مساله یا پدیده با سایر موضوعات و مسایل دارای پیوند است، به گونه‌ای که باید عوامل تاثیرگذار و میزان و نحوه تاثیرگذاری در نظر گرفته شود (درزی و قراملکی، ۱۳۹۹: ۴۲)، همچنین مسایل چندتباری، مسایلی است که به دلیل برخورداری از عوامل گوناگون یا داشتن آثار مختلف، ریشه در علوم و زمینه‌های معرفتی گوناگون دارد (قراملکی، ۱۳۹۰: ۴۳).

۳-۱. مفهوم‌شناسی مطالعات «چندرشته‌ای»

«چندرشته‌ای» پژوهشی به هدف گسترش دانش‌ها و روش‌های موجود است و در آن چندین رشته با حفظ استقلال معرفتی (و نظری) و روشی خود (به‌طوری که مستقل از سایر رشته‌ها وارد فرآیند پژوهشی می‌شوند) و بدون هرگونه تلاش و الزام در ترکیب و تلفیق مفاهیم مهارت‌ها نظریات و روش‌ها و در کمترین حد، محدود، بسیار گسسته، متزلزل و ناپایدار به تعامل و ترکیب بین رشته‌ای می‌پردازند؛ اما در نهایت پژوهش یافته‌ها و شناخت‌ها با هم ترکیب می‌شوند و در فهم مسئله همکاری می‌کنند (خرسندی، ۱۳۸۸: ۶۴ و ۶۵؛ آگوستبرگ ۲۰۰۵؛ کلاین ۲۰۰۲؛ استنبر ۱۹۹۸). به‌عنوان مثال در پژوهش‌های باستان‌شناسی، پژوهشگر باستان‌شناس برای پی بردن به قدمت یک شی تاریخی از متخصصان رشته‌های مختلف مانند خاک‌شناسی، هواشناسی، تاریخ، زیست‌شناسی، گیاه‌شناسی، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و... استفاده می‌کند، ولی طی این فرآیند هر یک از سایر متخصصان با حفظ استقلال عمل می‌کنند و در پایان یافته‌های همه متخصصان به شکل تلفیق، بررسی، تجزیه و تحلیل می‌شود تا فعالیت چند رشته‌ای محقق شود (خرسندی، ۱۳۸۸: ۶۵).

۳-۲. مفهوم‌شناسی مطالعات «بینا رشته‌ای»

اگر رشته‌های مشارکت‌کننده در میان رشته‌ای از نظر مفاهیم علمی به یکدیگر نزدیک باشند، به‌طوری که بیشتر بیانگر حیطه یکسانی از فعالیت علمی باشند و تعامل و ترکیب بین رشته‌های علمی، نسبتاً خوب، پویا و فعال در تمام مراحل پژوهش باشد، یعنی دیدگاه‌های همه تخصص‌ها از ابتدا تا انتهای پژوهش استخراج شود و با یکدیگر گفتگو و تعامل کنند تا دیدگاه جامع‌گرایانه

تحصیل شود، لیکن از حد و مرز دانش‌ها و تخصص‌ها عبور نشود و هویت استقلال نظری و عملی دانش‌های مرتبط حفظ شود، میان رشته‌ای را «بینا رشته‌ای» نامند (درزی، قراملکی، ۱۳۹۹: ۳۹؛ نقیب و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۷). به‌عنوان نمونه، مشارکت زیست‌شناسی و علم ژنتیک مولکولی برای تشخیص مهاجرت یک پستاندار خاص (خرسندی، ۱۳۸۸: ۱۰). چالش خاص مطالعات بینا رشته‌ای، غلبه بر مفاهیم نظری و روش‌شناخت در مطالعات تک رشته‌ای و تخصصی خاص است.

۳-۳. مفهوم شناسی پژوهش‌های (فرا رشته‌ای)

مطالعات «فرا رشته‌ای» متفرع بر پیچیدگی ذاتی واقعیات است. به‌طوری که برای حل یک موضوع، مساله یا پدیده باید جوانب و ابعاد مختلف واقعیت با در نظر گرفتن پیوندهای پنهان و لایه‌مند موجود بین رشته‌های مختلف درک شود. بنابراین «فرا رشتگی» پاسخی به پیچیدگی حقایق علمی و ذوابعد بودن مسایل جهان معاصر در حوزه علم و فناوری است (بریش، ۲۰۰۹).

اگر تعامل، ترکیب، امتزاج و تلفیق رشته‌ها و دانش‌ها در حداعلای خود و بسیار پویا و فعال و در تمام مراحل پژوهش میان رشته‌ای باشد، به‌طوری که مرز رشته‌ها و تخصص‌ها به هم ریخته شود و از قلمرو محدود و جهان‌بینی خاص یک رشته و تخصص مانند: اقتصاد، علوم اجتماعی، علوم انسانی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و... عبور کنیم و یک چهارچوب مفهومی خاص و جدید که نوعی پیشرفت شناختی است و تلفیقی منسجم، جامع و کلی‌گرا از بینش‌های رشته‌ای است، شکل گیرد (= مفهوم سازی جدید)، به‌طوری که تمام رشته‌ها، اجزای یک رشته جدید را شکل دهند. میان رشتگی را «فرا رشته‌ای» نامند.

فرا رشتگی بر پدیده‌ها و پرسش‌های بنیادینی متمرکز است که ماهیت فلسفی و معرفتی دارد. از این منظر هدف و فلسفه فرا رشتگی، شناخت و فهم هستی، معرفت، اجتماع و انسان است، چنانکه محصول فرا رشتگی، دانش‌های بنیادین، نظریه‌های جهان‌شمولی و معرفت‌های وحدت بخش است (خرسندی، ۱۳۸۸: ۷۳ و ۷۵) در فرا رشتگی نه تنها مرزهای دانش‌ها و روش‌ها و تخصص‌ها درنور دیده می‌شود، بلکه در فراسوی رشته‌ها و تخصص‌های مرسوم و متعارف علمی و اجتماعی دانشگاهی، دانش‌ها، تجربه‌ها و روش‌های جدید جایگزین می‌شود (ماکس

نیت، ۲۰۰۵؛ دیوید سون، ۲۰۰۴؛ نگر ۲۰۰۴).

در مطالعات کثرت‌گرایی روش شناختی یا مطالعات فرارشتگی قرآن و علوم بشری صرفاً از روش‌ها و دستاوردهای سایر علوم در فهم دین بهره‌گیری نمی‌شود، بلکه از مبانی رهیافت‌ها و دستاوردهای دیگر علوم نیز در تجزیه تحلیل، توصیف و فهم و استنباط جامع نگرانه از دین نیز استفاده می‌شود (پاکتچی، ۱۳۹۵: ۱۱۸-۱۱۹).

«انتقادی» یکی از اهداف «فرارشتگی» است، از این‌رو همه مباحثی که دارای ابعاد روشنفکرانه اجتماعی و انتقادی است، نسبت به مؤلفه‌های نظیر قدرت و فرهنگ دیدگاه انتقادی ساختاری و کارکردی دارند (خرسندی، ۱۳۸۸: ۷۳ و ۷۴) در فرآیند آموزش فرارشتگی، برنامه‌های درسی و علمی دانشگاهی، صرفاً یکی از منابع و مراجع شمرده می‌شود و به آموزش در فضاهای غیررسمی نیز ارجحیت داده می‌شود. به طوری که جامعه، بافت فرهنگی، نهادهای مدنی، خانواده و کانون‌های مذهبی نیز ابزار آموزش، یادگیری و مهارت‌های فرارشتگی را در اختیار دانش‌پژوهان قرار می‌دهند (خرسندی، ۱۳۸۸: ۷۲).

موفقیت فرارشتگی در تولید فهم جامع و نگرشی کلی نگر است، به طوری که فرارشته پژوه باید جهان و مسایل و موضوعات آن را به مثابه یک کل پیچیده و چندضلعی و ذوابعاد فهم و تجربه کند (همان: ۷۶).

به عنوان نمونه: فقیه باید احکام و مسائل ازدواج موقت، چند همسری، دیه، ارث زن و پوشش بانوان را با در نظر گرفتن بینش‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، روانشناسی و اخلاق مورد توجه قرار دهد. که چنین دستاورد جامع نگرانه جدیدی جز با مطالعات فرارشته‌ای دین و سایر علوم قابل تحصیل نیست.

مثال دیگر: شیخ طوسی در تفسیر تبیان با استفاده از جمیع فنون مرتبط با تفسیر قرآن، پس از طرح آرا و نظرات دانشمندان علوم مختلف و بهره‌گیری از اندیشه‌های آنان و نقد و بررسی و تعامل اندیشه‌ها، در مقام دستیابی به دیدگاه ژرف‌تر برمی‌آید (معرفت، ۱۳۷۹: ۱۴۸-۱۰۰).

۴. مطالعات قرآنی پژوهشی میان رشته‌ای با طیف‌های: چند رشته‌ای،

بینا رشته‌ای، فرا رشته‌ای

تعبیر «قرآن» در گزاره «مطالعات میان رشته‌ای قرآن و علوم» تعبیری مبهم است، زیرا افزون بر سایر علوم مشارکت کننده در میان رشتگی، خود قرآن نیز یک رشته در کنار سایر رشته‌ها و تخصص‌ها نیست و به نوبه خود شامل سه گونه دانش و نسبت معرفتی می‌شود: اول، علوم قرآنی؛ دوم، مطالعات قرآنی مدرن غربی؛ و سوم فهم و تفسیر قرآن (درزی و قراملکی، ۱۳۹۹: ۷۵ و ۷۶ و ۸۹). اینک باید در ابتدا، نسبت هر یک از دانش‌های سه‌گانه فوق با مقوله میان رشتگی روشن شود، تا نشان دهیم «مطالعات قرآنی به معنای عام» که شامل سه گونه دانش فوق می‌شود، ماهیت و سرشتی میان رشته‌ای دارند و پس آنگاه گونه‌ها و اقسام متفاوت میان رشتگی در «مطالعات قرآن و علوم» رصد و کنکاش شود:

۴-۱. طیف‌های سه‌گانه «مطالعات قرآنی به معنای عام»

به نظر می‌رسد اگر مراد «مطالعات قرآنی» به معنای اعم و شامل طیف‌های سه‌گانه علوم فوق باشد، در این صورت «مطالعات قرآنی» می‌تواند شامل سه نوع پژوهش چند رشته‌ای، بینا رشته‌ای و فرا رشته‌ای باشد. اما پژوهش‌های چند رشته‌ای در حوزه «مطالعات میان رشته‌ای علوم قرآنی و سایر علوم» مطرح است، زیرا ساحت‌ها و ساختارهای مختلف علوم قرآنی از قبیل: تاریخ قرآن، مصحف شناسی، حدیث، رجال، تجوید، آداب تلاوت قرآن، زبان شناسی، ادبیات عرب، کلام، بلاغت، منطق، خط شناسی و... به دلیل نقشی که در فهم قرآن دارند، به‌عنوان یکی از طرف‌های درگیر در تحقیق میان رشته‌ای، در کنار سایر علوم بشری قرار گرفته و هم‌نشینی دارند؛ لیکن مباحث دانش‌های مختلف بدون گفتگوی موثر در کنار یکدیگر چینش می‌شوند (همان: ۷۶).

همچنین مطالعات قرآنی می‌تواند پژوهشی «بینا رشته‌ای» باشد و قلمرو آن در «مطالعات قرآنی نوین غربی» است. این مطالعات، رشته‌ای آکادمیک در غرب است و به دنبال شناخت فهمی پدیدارشناسانه از قرآن و آورنده آن - پیامبر ﷺ - می‌باشد. در رویکرد پدیدارشناسانه از قرآن، پژوهشگر به تبیین تجربه‌های آگاهانه خود و دیگران در مواجهه قرآن می‌پردازد. به‌عنوان نمونه: پژوهش در زمینه تاریخ‌گذاری قرآن که در آن پژوهشگر با استفاده از تغییرات سبک‌های زبانی

آیات، به دسته‌بندی مجدد آیات می‌پردازد، مانند ترجمه قرآن به همراه تلاش برای دسته‌بندی مجدد سوره‌ها و در پایان «مطالعات قرآنی به معنای عام» می‌تواند پژوهشی «فرارشته‌ای» باشد و قلمرو آن در «تفسیر قرآن» است.

از سوی دیگر اگر «مطالعات قرآنی» به معنای خاص به معنای متن پژوهی فهم و تفسیر قرآن باشد در این صورت مراد از «مطالعات قرآنی» دوگونه پژوهش‌های «بینا رشته‌ای» و «فرا رشته‌ای» است (همان: ۸۲ و ۸۵).

۴-۲. دلایل فرارشته‌های بودن «مطالعات تفسیری»

اینک برآنیم تا ماهیت فرارشتگی در مطالعات تفسیری به معنای متن پژوهی در فهم و تفسیر قرآن را با مستندات چهارگانه ذیل اثبات نماییم:

۴-۲-۱. وجود شاخصه‌های چهارگانه پژوهش‌های میان رشته‌ای در مطالعات تفسیری چنانچه در عنوان «مفهوم‌شناسی میان رشتگی» تبیین شد، گزاره‌های اساسی در پژوهش‌های فرارشت‌های عبارتند از:

الف) امتزاج، ترکیب و تلفیق فعال، پویا و گسترده در تمام مراحل پژوهشی بین مناظر و بینش‌های علوم شرکت کننده در میان رشتگی؛

ب) اینکه تعامل دستاوردها (شناخت‌های نظری) و روش‌ها، در رشته‌ها و تخصص‌ها باید به اندازه‌ای باشد که حدود و ثغور و مرزهای رشته‌ها شکسته شود و قلمرو محدود جهانی خاص رشته‌ای (یک رشته علمی خاص) نادیده گرفته شود.

ج) اینکه مفهوم‌سازی جدید و چهارچوب مفهومی خاص و نوینی با ویژگی جامعیت و کل‌گرا بودن تولید شود، که نوعی «پیشرفت شناختی» محسوب می‌شود.

د) اینکه تمامی رشته‌ها و تخصص‌های میان رشتگی، اجزای رشته جدید را شکل دهند.

۴-۲-۲. نقش مولفه‌های چهارگانه متن پژوهی (= نویسنده، متن، خواننده و واقعیت

پنهان و تاریخی متن) در مطالعات تفسیری

در هر متن پژوهی و از جمله در تفسیر قرآن بارویکردهای مختلف دانش معناشناختی در تحلیل واژه‌ها مواجهه‌ایم:

الف) در رویکرد تفسیر قرآن که با محوریت «نویسنده» پیش رود، اصلی‌ترین دانش‌ها و روش‌های کلان پژوهشی مورد نیاز عبارتند از: تاریخی- انتقادی، جامعه‌شناسی، تاریخ، روانشناسی تاریخی و... .

ب) در رویکرد تفسیری که با محوریت متن پیمایش می‌شود، با دانش‌ها و روش‌های زبان شناختی ساختارگرایانه^۱، روش‌های نقد ادبی^۲ و رویکرد سنتی در تفسیر متن و... که هر کدام با روش‌های متنوع روبرو هستند.

ج) همچنین در رویکردهایی که بر «خواننده متن» متمرکز است با تاریخ تأثیر، تفسیر روان‌شناسانه^۳، تفسیر فمینیستی^۴، تفسیر سمبولیک^۵ و... روبرو خواهیم بود.

د) در نهایت اگر تفسیری با محوریت «واقعیات در ورای متن» داشته باشیم، با سه رویکرد

۱. «زبان‌شناسی ساختارگرایانه» دانشی است که با فردینان دوسوسور آغاز شده است. وی معتقد است معنا و نظم زبان از روابط نشانه‌ها و عناصر درون سیستمی زبان ناشی می‌شود و نه از واقعیت‌های اجتماعی. در این رویکرد علمی، زبان به‌عنوان یک نظام نشانه‌ای محسوب می‌شود که بر روابط درونی بین عناصر زبان تأکید دارد و به تحلیل روابط بین جزا در ذیل یک کل می‌پردازد.

۲. «روش نقد ادبی» دانشی است که در آن با بررسی و تحلیل آثار ادبی از زوایای مختلف مانند تطابق اثر با واقعیات بیرونی، تحلیل اثر از منظر نویسنده و احساساتش، تمرکز بر فنون بلاغی و جوهر هنر و... به درک عمیق تر محتوا و معنا کمک می‌شود.

۳. «تفسیر روان‌شناسانه» به فرایندی اطلاق می‌شود که در آن معنای پنهان رفتارها و گفتارها از طریق تحلیل روانی کشف می‌شود.

۴. «تفسیر فمینیستی» به بررسی و تحلیل متون و نظریات از منظر جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی بین زنان و مردان می‌پردازد و از طریق نقد ساختار مردسالارانه، تلاش می‌کند جایگاه زنان را در تاریخ فلسفه و معرفت‌شناسی، باز تعریف کند.

۵. «تفسیر سمبولیک» استنباطی از قرآن است که با جمع بین معنای ظاهری و باطنی قرآن، از نمادها و سمبل‌ها برای انتقال معنای سمبولیک و نمادین استفاده می‌شود و تحت شرایط خاصی مورد پذیرش برخی مفسران قرآن می‌باشد.

اساسی تفسیر جزمی نگر^۱، تفسیر بنیادگرایانه^۲، تفسیر وجود نگر^۳ مواجه خواهیم بود (درزی و قراملکی، ۱۳۹۹: ۳۹-۴۰).

بدیهی است در تفسیر پژوهی با مولفه‌های چهارگانه فوق و امتزاج و تلفیق بینش‌های نظری و روشی علوم گوناگون، حدود و مرزهای دانش‌ها و روش‌ها به هم می‌خورد و پیکره واحد و خاصی به نام «تفسیر متن قرآن» شکل می‌گیرد، به طوری که هر رشته و تخصص، کارکردهای خاص خود را ایفا می‌نماید.

۳-۲-۴. کاربست رویکردهای پنج گانه معناشناختی تحلیل واژه‌ها در مطالعات تفسیری در متن پژوهی و تفسیر قرآن با رویکردهای مختلف دانش معنا شناختی در حوزه ی واژگان به شرح دیل مواجه‌ایم:

اول: «معناشناسی تاریخی واژگان» که به بررسی تحولات معنای واژه در دوران‌های مختلف تاریخی می‌پردازد، از قبیل: تشخیص تمایز کاربردهای پیش و پس از نزول واژه‌ها، پژوهش از وضع تعیینی و تعینی، کنکاش از معنای شرعی واژگان، همچون صلوات، زکات، حج و ... در قرآن، نقش تضییق و توسعه معنا در تولید معنای واژگان در زبان شناسی، بحث از واژگان دخیل و ...

دوم: «معناشناسی ساختاری» در تبیین معنای واژگان، عبارات و جملات در تبیین دلالت متن؛ که اصلی‌ترین وظیفه این روی آورد، دستیابی به معنای واژه، عبارت و جمله با در نظر گرفتن ساختارهای هم‌نشین و جان‌نشین است. ورود به بحث «سیاق» در متن پژوهی قرآن، ضرورت در نظر گرفتن ساختار واژه، عبارت و جمله را به خوبی نشان می‌دهد. روی آورد معناشناسی ساختاری، افزون بر واژگان پژوهی، در فهم کامل معنای جملات و عبارات نیز کارایی دارد.

۱. «تفسیر جزمی نگر» دیدگاهی است که به تفکر محدود و غیر انتقادی معتقد است و پدیده‌های دنیوی را ساده و بدون پیچیدگی می‌داند و معمولاً با تعصب و عدم انعطاف همراه است.

۲. «تفسیر بنیادگرایانه» تفکری است که با پایبندی شدید به اصول دینی و ایدئولوژیکی، به تفسیر تحت اللفظی متون مقدس می‌پردازد. این تفکر اغلب با آزادی‌ها فردی و نوآوری‌ها، مخالف و منکر هرگونه تفسیر پیچیده در فهم متون دینی هستند.

۳. «تفسیر وجودنگر» تفسیری است که با تمرکز بر مباحث اساسی زندگی انسان، به بررسی مسائلی همچون مرگ، آزادی، مسئولیت و بی‌معنایی می‌پردازد و معتقد است آگاهی از مرگ، به زندگی معنا می‌دهد و انسان مسئول ساختن معنای زندگی خویش است. این تفکر بر خود انسان و انتخاب‌های او تاکید دارد.

سوم: معناشناسی متن از طریق زمینه و گفتمان حاکم بر متن که در آن پژوهشگر پس از عبور از مرحله ساختاری متن، باید به ارتباط «لایه گفتمانی حاکم بر متن» با «لایه ساختاری» بپردازد. به عنوان نمونه: تحلیل ساختار متنی آیه «إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ» (توبه: ۳۷)، تنها بیانگر آن است که جابجایی (یا فراموشی) موجب افزوده شدن به کفر می شود، لیکن از طریق آگاهی به لایه تحلیل گفتمانی است که مشخص می شود، چون متغیر بودن ماه های قمری مانعی جدی در برگزاری دائمی موسم حج در فصل بهار و زمینه سازی استفاده از موقعیت تجاری موسم حج بود، اعراب هر سال ده روز ماه قمری را به تاخیر می انداختند تا موسم حج به طور دائمی در فصل بهار باشد (رضا شکرانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۱۰۱).

چهارم: «معناشناسی شناختی»^۱ که رویکرد شناختی به زبان دارد و در قرن بیستم ظهور کرد. این دانش مرتبط با مطالعه زبان، سیستم های مفهومی، شناخت انسان و تفسیر عمومی معنا دارد و یکی از اصول آن، توجه به ارتباط بین تحقق معنا در ذهن و دنیای که کاربران آن را تجربه می کنند، می باشد (مهین ناز و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۵-۳۶). با استفاده از این رویکرد در مطالعات قرآنی می توان نگاهی نوین به استعاره ها داشت و با استفاده از آن ها جهان بینی حاکم بر متن را بهتر دریافت؛ همچنین می توان ارتباطات درون متنی را بهتر و منسجم تر کشف نمود (درزی، ۱۳۹۷: ۵۲).

پنجم: معناشناسی تحلیلی^۲ یا تحلیل مفهومی معنا، که به نوبه خود مرکب از سه رویکرد ذیل است: اول: معناشناسی قرآن با توجه به تحلیل گزاره ای، تحلیل سیستمی و تحلیل انتقادی مبانی و پیامدها. دوم: رویکردهای تجربی به معنای تلاش برای فهم مراد قرآن با کمک علوم تجربی، روان شناختی، جامعه شناختی و... که در این پژوهش زمینه تعارض، تعاون و تعامل بین قرآن و علوم مورد نظر به میان می آید. سوم: رویکرد پدیدار شناختی که در آن از طریق طرد فهم یک بعدی و تحویلی نگری در فهم قرآن، عمل می شود (درزی و قرامکی، ۱۳۹۹: ۸۸-۸۵).

۱. «معناشناسی شناختی» شاخه ای از زبان شناسی شناختی است که به بررسی ارتباط ساختار ذهنی و معنای زبانی می پردازد و بر این باور است که معانی با ساختار ذهنی شکل می گیرند، نه صرفاً با واقعیات خارجی.

۲. «معناشناسی تحلیلی» به هدف کشف معانی جامع و لایه مند در متون، به تحلیل و بررسی معانی در زبان می پردازد و شامل تحلیل واژگان، دلالت های صریح و پنهان متن و عوامل زبانی و غیر زبانی می شود. این رویکرد به ویژه در مطالعات قرآنی دارای اهمیت است.

بدیهی است با پیمایش رویکردهای پنج‌گانه فوق و ترکیب و تلفیق بینش‌ها و روش‌های پژوهشی نیز مرزهای رشته‌ای و علوم در نور دیده می‌شود و مفهوم‌سازی جدید منجر به فهمی جامع و ادراکی فراگیر از یک موضوع، مسئله و پدیدار می‌شود که شاخصه پژوهش «فرارشته‌ای» است.

۴-۲-۴. ارتباط بنیادین مفاهیم قرآنی با کلان رشته‌های سه گانه علوم

استنباط و فهم آموزه‌ها و مقولات قرآن با کلان رشته‌های سه گانه (= علوم انسانی غیر تجربی، علوم انسانی تجربی، علوم طبیعی تجربی) و رشته‌های ذیل آن‌ها مرتبط است. از این رو متن پژوهی و به ویژه تفسیر قرآن اقتضای ماهیتی «فرا رشته‌ای» دارد.

یکی از جامع‌ترین شیوه‌های تقسیم‌بندی علوم، مبتنی بر دو روش «استدلال» و «تمایز موضوعی علوم» است. روش «استدلال» مربوط به علوم تجربی است و به معنی تعمیم گزاره‌ها و دستیابی به قواعد جهان شمول جهت موجه سازی نظریات و روش «تمایز موضوعی علوم» در علوم انسانی می‌باشد. تشریح تقسیم‌بندی علوم به شرح ذیل است:

اول: علوم انسانی غیر تجربی که اهم روش‌های ذیل آن عبارتند از:

الف) روش تفسیری با مهم‌ترین دانش‌ها ذیل آن: زبان‌شناسی، معنا شناسی، نشانه شناسی، نظریه‌های ادبی، هرمنوتیک و ...

ب) روش تاریخی با مهم‌ترین دانش‌های ذیل آن: تاریخ فلسفه، تاریخ دین، تاریخ تاریخ، لغت و علوم مختلف ذیل آن از قبیل: ریشه شناسی، واج شناسی، ریخت شناسی، نحو شناسی، واژه شناسی، لغت شناسی، جغرافیای تاریخی.

ج) روش فلسفی که مهم‌ترین دانش‌های ذیل آن عبارتند از: فلسفه (یا متافیزیک) معرفت شناسی، فلسفه منطقی، فلسفه‌های مضاف.

دوم: علوم انسانی تجربی که مهم‌ترین علوم ذیل آن عبارتند از: روانشناسی، انسان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، سیاست، حقوق، اخلاق.

سوم: علوم تجربی طبیعی که اهم علوم مرتبط با آن عبارتند از: فیزیک، شیمی، زیست شناسی و ... (پهلوان و همکاران، ۱۳۹۲: ۲۸-۳۱؛ درزی و قراملکی، ۱۳۹۹: ۹۹ و ۱۰۰-۱۰۲).

اگر قرآن کریم را مرکز توجه و محور آغاز پژوهش قرار دهیم، اولین و نزدیک‌ترین حلقه به قرآن، «علوم انسانی غیر تجربی» سپس و در دومین حلقه «علوم انسانی تجربی» آنگاه در سومین حلقه «علوم تجربی طبیعی» قرار دارد. هر چه این فاصله از قرآن بیشتر باشد، تجانس و هم‌سنجی کمتر و امکان برقراری ارتباط و تعامل و پژوهش پیچیده‌تر خواهد بود.

مطالعات میان رشته‌ای قرآن اگر با «یکی از رشته‌های درون یک حلقه» باشد، از پیچیدگی کمتری نسبت به مطالعه میان رشته قرآن با «چند رشته درون یک حلقه» خواهد بود. مثلاً مطالعه میان رشته‌ای قرآن با هرمنوتیک یا با فلسفه، از پیچیدگی کمتری، نسبت به مطالعات میان رشته قرآن در هرمنوتیک فلسفی خواهد بود، چنانچه مطالعه میان رشته‌ای قرآن با زبان‌شناسی یا با تاریخ، نسبت به مطالعه قرآن با زبان‌شناسی تاریخی چنین است.

همچنین مطالعات میان رشته‌ای قرآن، اگر با «چند علم در یک حلقه» باشد، به دلیل آنکه از روش و موضوع واحد بحث می‌شود، پیچیدگی کمتری دارد، نسبت به مطالعات میان رشته‌ای قرآن، اگر با «چند علم در چند حلقه» باشد، زیرا سنخیت و هماهنگی بین علوم چند حلقه کمتر است. به‌طور کلی هر چه موضوع و روش علوم فاصله بیشتری بایکدیگر داشته باشند، پژوهش در آن‌ها پیچیده‌تر خواهد بود (درزی و قراملکی، ۱۳۹۹: ۱۰۹-۱۰۴).

نمونه شکل‌های مختلف «پژوهش میان رشتگی قرآن و علوم» که منجر به «فرارشتگی» می‌شود عبارت است از:

الف) علوم میان رشتگی در درون هر یک از سه حلقه.

علوم میان رشته‌ای در درون حلقه اول (= علوم تفسیری علوم تاریخی و علوم فلسفی)، مانند: زبان‌شناسی تاریخی^۱، هرمنوتیک تاریخی^۲، هرمنوتیک فلسفی^۳ و ...

۱. «زبان‌شناسی تاریخی» دانشی است که با بررسی ارتباط تاریخ و زبان و دگرگونی‌های آوایی، واژگانی و معنایی و سایر عوامل داخلی و خارجی تاثیرگذار بر زبان، به مطالعه تغییرات زبان‌ها در طول زمان می‌پردازد.

۲. «هرمنوتیک تاریخی» دانشی است که به تحلیل معانی و مفاهیم نهفته در تاریخ پرداخته و به پژوهشگر کمک می‌کند تا تجربیات گذشته را با تاکید بر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی از طریق تفسیر دقیق، بازسازی کند. این تفکر از دانشمندانی مانند شلایر ماخر و دیلتای نشأت گرفته است.

۳. «هرمنوتیک فلسفی» دانشی است که با باور به اینکه فهم انسان‌ها تاریخی و وابسته به پیش فرض‌ها و پیش‌داوری‌ها است، به تحلیل فلسفی پدیده فهم می‌پردازد و معتقد است هیچ فهمی عینی و ثابت نیست و هر تفسیری به ذهنیت مفسر وابسته است.

علوم میان رشته‌ای در درون حلقه دوم (= علوم تجربی انسانی)، انسان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، جرم شناسی فرهنگی و... .

علوم میان رشته‌ای در درون حلقه سوم (= علوم تجربی طبیعی)، بیوتکنولوژی^۱، زیست بوم شناسی^۲، اختر فیزیک^۳، ژئوفیزیک^۴، اختر شیمی^۵ و... .

ب) علوم میان رشته‌ای در میان حلقات

«علوم میان رشته‌ای که مشترک بین علوم انسانی غیر تجربی و علوم انسانی تجربی» است: روانشناسی دین، جامعه شناسی فلسفه^۶، باستان شناسی زبان^۷، زبان شناختی، زبان شناسی اجتماعی^۸ و... .

«علوم میان رشته‌ای که مشترک بین علوم انسانی غیر تجربی و علوم تجربی طبیعی» است

۱. «بیوتکنولوژی» دانشی است که در آن از موجودات زنده برای تولید محصولات استفاده می‌شود. این علم که یکی از کلیدهای علوم برای حل چالش‌های جهانی است، شامل بیوتکنولوژی پزشکی، غذایی، محیطی و مولکولی است.
۲. «زیست بوم شناسی» یا «اکولوژی» دانشی است که با کمک زیست‌شناسی به مطالعه تعامل بین موجودات زنده و محیط می‌پردازد.
۳. «اختر فیزیک» شاخه‌ای از علم فیزیک است که به مطالعه اشیا و پدیده‌های نجومی و اجرام آسمانی می‌پردازد.
۴. «اختر شیمی» علمی است که با استفاده از طیف نگاری و ترکیبات شیمیایی به بررسی عناصر موجود در کیهان و درک فرایند تشکیل و تکامل اجرام آسمانی می‌پردازد.
۵. «ژئوفیزیک» یا «فیزیک زمین»، شاخه‌ای از علم زمین‌شناسی است که با استفاده از روش‌های لرزه‌ای، مغناطیسی، گرانشی و الکتریکی به مطالعه خواص فیزیکی زمین و فرایندهای طبیعی آن مانند ویژگی‌های پوسته و هسته زمین می‌پردازد.
۶. «جامعه‌شناسی فلسفه» دانشی است که به بررسی روابط منطقی، انتقادی و معرفتی بین جامعه‌شناسی، علوم اجتماعی و فلسفه می‌پردازد و به فهم عمیق‌تر ساختارهای اجتماعی و چالش‌های معرفتی کمک می‌کند.
۷. «باستان‌شناسی زبان» دانشی است که به مطالعه تحولات زبان‌ها در طول زمان می‌پردازد و شامل زیر شاخه‌های زبان شناسی تطبیقی، ریشه‌شناسی و واج‌شناسی می‌شود.
۸. «زبان شناسی اجتماعی» علمی است که با بررسی رابطه زبان و جامعه به تحلیل چگونگی شکل‌گیری و تغییر زبان در محیط‌های اجتماعی مختلف می‌پردازد و به تاثیر عوامل اجتماعی مانند هنجارهای فرهنگی و بافت اجتماعی بر زبان توجه دارد.

مانند: فلسفه فیزیک^۱، فلسفه ژنتیک^۲، فلسفه بوم‌شناسی^۳، مطالعات دین محور در میکرو ارگانیسم‌ها^۴، گیاهان، ژنتیک، علم هیات و

«علوم میان رشته‌ای که مشترک بین علوم انسانی غیر تجربی و علوم تجربی طبیعی» است: بوم‌شناسی سیاسی^۵، اقتصاد رفتاری^۶، کردار شناسی جانوری و

«علوم میان رشته‌ای که مشترک بین علوم انسانی غیر تجربی و علوم انسانی تجربی و علوم تجربی طبیعی» است، مانند: هوش مصنوعی که از حلقه اول با فلسفه و زبان‌شناسی و از حلقه علوم با روانشناسی و علم اعصاب و از حلقه سوم با علوم رایانه‌ای ارتباط دارد.

چنانچه تشریح نموده ایم، مطالعات قرآنی با طیف گسترده کلان رشته‌های سه گانه و ذیل رشته‌های متنوع آن، مرتبط است و مطالعات میان رشته‌ای قرآن و علوم را می‌توان در طیفی از مطالعات سامان‌دهی نمود. بدیهی است اقتضاء میان رشتگی توأم با امتزاج و تلفیق کامل دیدگاه‌ها و نظریات دانشمندان و روش‌های تحقیق مختلف بین سه کلان رشته و علوم ذیل آن با قرآن، آن است که مرزهای رشته‌ها و تخصص‌ها شکسته شود و چهارچوب جدیدی از مفاهیم جدید با ویژگی جامع‌گرایانه و کلی‌گرا، تولید شود و این چیزی جز «فرا رشتگی در فهم و تفسیر قرآن» نیست.

۱. «فلسفه فیزیک» دانشی است که با روش اصول، مبانی و چالش‌های فلسفی مربوط به علم فیزیک به دنبال فهم چگونگی تعامل نظریات علمی با متافیزیک و هستی‌شناسی است. مسائل بنیادینی مانند اصل عدم قطعیت، تقلیل‌گرایی، چالش‌های موجود در واقعیت فیزیک در این علم بررسی می‌شود.

۲. «فلسفه ژنتیک» دانشی است که با بررسی اصول و مفاهیم اخلاقی، معرفت‌شناسی و متافیزیکی مرتبط با علم ژنتیک به تبیین چگونگی انتقال صفات وراثتی و تاثیر آن بر شناخت انسان از خود و محیطش می‌پردازد. چالش‌های ناشی از دستکاری ژنتیکی از مباحث این علم است.

۳. «فلسفه بوم‌شناسی» رشته‌ای است که با مطالعه تعاملات بین موجودات زنده و محیط زیست و تاکید بر سازگاری و انطباق آن دو به بررسی روابط اجتماعی فرهنگی انسان‌ها با محیط زیست می‌پردازد.

۴. «مطالعات دین محور در میکرو ارگانیسم‌ها» دانشی است که با بررسی تاثیر باکتری‌ها و قارچ‌ها و نقش آن‌ها در تجزیه مواد آلی و تثبیت نیتروژن به سلامت خاک و رشد گیاهان کمک می‌کند و استفاده از میکرو ارگانیسم‌ها را جایگزین مواد شیمیایی در کنترل آفات کشاورزی می‌کند.

۵. «بوم‌شناسی سیاسی» دانشی است که به مطالعه تعاملات میان سیاست و محیط زیست پرداخته و چالش‌های زیست محیطی را از منظر سیاسی و اجتماعی تحلیل می‌کند و به دنبال ائتلاف جهانی برای مواجهه با چالش‌های زیست محیطی است.

۶. «اقتصاد رفتاری» شاخه‌ای از علم اقتصاد است که به بررسی تاثیر عوامل روانشناختی، اجتماعی و هیجانی بر تصمیم اقتصادی افراد می‌پردازد و کاربردهای آن شامل بازاریابی، سیاست‌گذاری عمومی و بهبود تصمیمات مالی است.

نمونه اول: مطالعات میان رشته‌ای حکمرانی خوب مبتنی بر قرآن، اقتصاد، علوم اجتماعی و علوم سیاسی؛ با عنایت به دو رویکرد متفاوت در مورد «توسعه پایدار» وجود دارد. با این توضیح: که در اقتصاد و علوم سیاسی، توسعه سیاسی اقتصادی و سیاسی محوریت دارد، هر چند حقوق انسان‌ها و خداوند پایمال شود، ولی در علوم اجتماعی و مطالعات قرآنی، توسعه با محوریت انسان، طبیعت و خداوند است، لذا پس از باز تعریف اساسی در مفهوم «توسعه» و یافتن زبان و زمینه مشترک بین علوم چهارگانه فوق، به طوری که بتوان مؤلفه توسعه در همه علوم را در نظر داشته باشد، مرز رشته‌ها شکسته می‌شود و مفهوم جامع و کل گرای جدیدی تولید می‌شود، که همان توسعه اقتصادی، سیاسی و عدالت اجتماعی مبتنی بر سعادت اخروی است و این همان «فرارشته‌ای در قرآن و علوم است» (صدریه، ۱۳۹۴: ۱۰۹-۱۰۸).

نمونه دوم: مفهوم «شاکله شخصیت» یا «منشاکنش‌ها و رفتارهای انسان» مسأله‌ای پیچیده و چند تباری است که از منظر علوم مختلف، دیدگاه‌های سه گانه‌ای در خصوص آن وجود دارد. به طوری که منشاکنش‌ها و رفتارهای انسان را می‌توان از منظر روان شناسی، «درونی»؛ و از منظر جامعه شناسی، «بیرونی» و از منظر مطالعات قرآنی «تلفیقی از عوامل درونی و بیرونی» یعنی «حد وسط منشاکنش‌ها و بیرونی» دانست. مفسران قرآن در طول تاریخ، در فهم این مفهوم اختلاف زیادی داشته‌اند و در این زمینه علاوه بر دانش تفسیر و کلام، دانش‌های دیگری مانند: عرفان، روان شناسی، جامعه شناسی و تفسیر نیز درگیر این پژوهش می‌شود. در این پژوهش پرسش‌های مختلفی در برابر مفسر وجود دارد: اول اینکه مولفه‌های تشکیل دهنده شاکله و منش انسان چیست؛ دوم عوامل تاثیرگذار بر منش‌ها و رفتارهای انسان چیست؛ سوم تاثیر رفتار هر فرد بر رفتارهای دیگرش چگونه است؟ چهارم با وجود عوامل مختلف بیرونی که تاثیرگذار بر رفتارها و منش‌های انسان است، تا چه میزان باید فرد را مقصر کارهای خطایش دانست و مجازات و پاداش فرد را چگونه باید توجیه کرد؟ حال با توجه به دانش‌های مختلف و رویکردهای متفاوت دانشمندان در پاسخ به این سوال، دایره پژوهش را می‌توان به خوبی مشخص و محدود نمود. دخیل دانستن طیفی از علوم در منش‌های درونی، بیرونی و حد وسط درون و بیرون مصداق واضح «فرارشته‌ای قرآن و علوم» است.

نتیجه‌گیری

نظر به نوپدید بودن و رشد و گسترش مطالعات میان رشته‌ای و مطرح شدن رویکردها و گونه‌های متفاوتی از میان رشته‌ای، می‌توان این مطالعات را مشتمل بر سه طیف کلان: چند رشته‌ای، بینا رشته‌ای و فرار رشته‌ای دانست. مستندات مطالعات تفسیری با ماهیت فرارشته‌ای به شرح ذیل است:

۱. وجود شاخصه‌های پژوهش‌های میان رشته‌ای در مطالعات تفسیری یعنی تلفیق پویای بینش‌ها و روش‌های علوم و قرآن؛ عبور از مرزهای خاص جهان‌بینی تک رشته‌ای در یک علم؛ تولید چهارچوب مفهومی جدید و جامع گرایانه و مشارکت تمام علوم میان رشته‌ای در مفهوم سازی جدید که نوعی پیشرفت معرفتی است.

۲. کاربست چهار مولفه: نویسنده، متن، خواننده و واقعیت‌های پنهان تاریخی در پشت متن، در معناشناسی تفسیر قرآن، مقتضی کاربست دانش‌های گوناگونی است که جز از طریق عبور از دانش‌ها و روش‌های تحقیق یک رشته خاص علمی و تولید جهان‌بینی مفهومی جدید، حاصل نمی‌شود.

۳. کاربست رویکردهای پنج گانه ذیل مقتضی عبور از مرزهای رشته‌ای و مفهوم سازی جدید است و این چیزی جز فرارشته‌گی در تفسیر نیست: معناشناختی تحلیل واژه‌ها، معناشناسی تاریخی واژگان، معناشناسی از طریق گفتمان حاکم بر متن، معناشناسی شناختی زبان و ذهن؛ و معناشناسی تحلیلی در تفسیر قرآن که به نوبه خود مرکب از سه رویکرد: تحلیل گزاره‌ای، سپس تحلیل انتقادی از مبانی و پیامدها، رویکرد تجربی، و رویکرد پدیدارشناسی و طرد تحلیلی نگری در فهم متن است.

۴. ارتباط مفاهیم و آموزه‌ها قرآن با کلان رشته‌های: علوم انسانی غیر تجربی؛ علوم انسانی تجربی و علوم تجربی طبیعی و ذیل رشته‌های علمی گوناگون آن‌ها، مقتضی فرارشته‌گی و شکستن مرزهای تخصصی یک علم خاص و تولید دانشی جدید در مطالعات تفسیری می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم (۱۴۱۸). ترجمه: فولادوند، محمدمهدی، چ ۳، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱. ابراهیمی، مرتضی (۱۳۹۳). بررسی ضرورت‌های مطالعات میان رشته‌ای در حوزه علوم انسانی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۲.
۲. آراسته، حمیدرضا (۱۳۸۸). میان رشته‌ها در آموزش عالی، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره اول، سال ۲.
۳. پهلوان، منصور و همکاران (۱۳۹۲). گونه‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای در قرآن کریم، مجله مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره پنجم، ش ۴.
۴. خرسندی، علی (۱۳۸۷). گفتمان میان رشته‌ای دانش، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری.
۵. خرسندی، علی (۱۳۸۸). تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته‌ای، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره اول، ش ۴.
۶. درزی، قاسم؛ پاکتچی، احمد؛ فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۵). الزامات روش شناختی مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، فصلنامه مطالعات قرآن و حدیث، دوره دهم، ش ۱۹.
۷. درزی، قاسم (۱۳۹۷). درآمدی بر کاربری علوم شناختی در مطالعات قرآن، مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۲، ش ۱.
۸. درزی، قاسم؛ فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۹). روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای قرآن، چ ۱، تهران، دانشگاه امام صادق.
۹. شاکری، رضا و همکاران (۱۳۹۰). بررسی روش گفتمان کاوی و چگونگی کاربری آن در مطالعات قرآنی، مجله پژوهش، س ۳، ش ۱.
۱۰. صدریه، پیام؛ درزی، قاسم (۱۳۹۴). نگرشی میان رشته‌ای به حکمرانی خوب زمینه‌سازی حکمرانی خوب در قرآن و نهج البلاغه، مجله پژوهش‌های نهج البلاغه، ش ۴۶.
۱۱. طباطبایی، سید محمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی



همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۲. طوسی، محمدحسن (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیا التراث العربی.
۱۳. فاضلی، نعمت‌الله؛ کوشکی، فاطمه (۱۳۹۵). *چند رشته‌ای، بینا رشته‌ای و پسا رشته‌ای، تغییر الگوهای رشته‌ای در زبان شناسی*، فصلنامه مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی، دوره نهم، ش ۱.
۱۴. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۲). *روش‌شناسی مطالعات دینی*، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۵. معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹). *تفسیر و مفسران*، قم، موسسه فرهنگی التمهید.
۱۶. میردهقان، مهین ناز؛ درزی، قاسم؛ قراملکی، احد (۱۳۹۶). *تاملی بر الگوهای تاثیرگذاری زیان‌شناسی شناختی در مطالعات قرآنی با تاکید بر واژه قرآنی شاکله*، مجله مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۱، ش ۲.
۱۷. نقیب، سیدمحمد و همکاران (۱۳۹۵). *مطالعات میان رشته‌ای قرآن و تمایز آن با پژوهش‌های تطبیقی و تفسیر علمی*، تفسیر پژوهی، سال ۳، ش ۵.
18. Augsburg, T. (2005) *Becoming interdisciplinary :An introduction to interdisciplinary studies* , kendall / hunt publishing company.
19. Colins , J. (2002) “May you live in interesting times: Using multidisciplinary and interdisciplinary programs to cope with changes in life science , 52 (1), pp. 75-83
20. Davies , M .& .Martin , D.(2007) *interdisciplinary Higher education : implications for teaching and learning* , australia : the university of melborne
21. Leavy , p.(2011). *Essentials of transdisciplinary research : Using problem-centered methodologies*. Walnut cerrk , CA: left coast
22. Max-Neef,M.A.(2005) “Commentary:foundations of transdisciplinarity” , *Ecological economics*, vol (-) ,No 53 , pp.5-16
23. Neger,A. (2004) *A transdisciplinary approach to science and astrology* ,accessed at

<http://cura.free.fr/quinq/02negre2.html>

24. Stember , M.(1998) “ Advancing the social sciences through the interdisciplinary enterprise” in interdisciplinary : essays from the literature , William H. Newell , (Ed).PP.337-350, Newyork : college entrance examination board.

